

روایت ایران جمعه از بعضی سرودهای انقلابی که در یادها مانده‌اند

دست‌های خالی ذهن‌های پردغدغه

مریم اسدزاده

نویسنده

مسلمان که ریتم بسیار تندی داشت و از نظر مذهبیون حرام بود. به سراغ خاطرات یکی از مؤثرترین افراد یعنی حمید شاهنگیان می‌رویم، کسی که با مرحوم استاد احمد علی راغب و مرحوم حمید سبزواری تا محمدرضا شریفی نیا، مرحوم حسین صبحدل و عباس دوزدوزانی برای ساخت سرودها همکاری کرده است.

سرودهایی انقلابی با شعرهایی فاخر کردند. اما هنوز در همان فضای انقلاب هم موسیقی مبتذل و مطربی در جامعه وجود داشت و گاهی موسیقی‌های غربی با شعر فارسی پوشش داده می‌شد. از جمله، ترانه «شهید» از ابراهیم حامدی که با موسیقی ترانه‌ای از دمیس روس پوشش داده شده بود یا سرودی با نام مرد

استفاده از شعارهای آهنگین و موزون بر اساس ملودی نوحه‌های مذهبی رفت. به مرور و با اوج گرفتن انقلاب و پس از ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۷، خوانندگان ترانه‌هایی در رثای شهدا و ظلم و ستم رژیم پهلوی خواندند، تا خود را همراه مردم نشان دهند. در این راستا گروه‌هایی خودجوش از انقلابیون هم شروع به تهیه

پس از قیام مردم علیه ظلم و فساد رژیم شاه، از سال ۴۲، فضای حکومتی بیش از پیش به سمت رواج فساد رفت اما اتحاد جامعه به سمت اسلام‌گرایی بیشتری پیدا کرده بودند. موسیقی در آن سال‌ها حرام و خرید و فروش آلات موسیقی جزء مکاسب محرمه بود. در این میان، اما شور و شعور انقلابی ملت به سمت



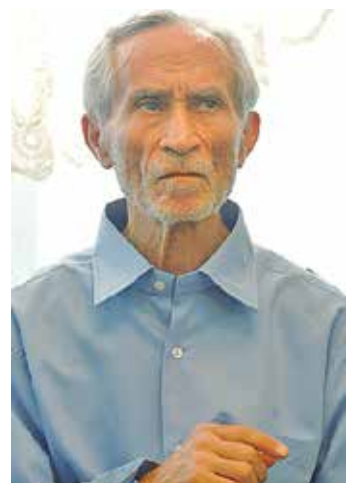
به زیرزمین خانه
خواهرم رفتم
که سقف بلندی
داشت و صدادر
آن می‌پیچید. تنها
یک راه داشتم که
بتوانم صوت را با
چلوه و باشکوه و
به اصطلاح کرال
بسازم. به فکرم
رسید که خودم
یک بار سرود را
بخوانم و ضبط
کنم، بعد نوار
را پخش کنم و
دوباره، خودم
همراه نوار بخوانم
تا با صدای خودم
دو نفر بشویم



هیچ کدام از این شرایط مهیا نبود بنابراین به زیرزمین خانه خواهرم رفتم که سقف بلندی داشت و صدا در آن می‌پیچید. تنها یک راه داشتم که بتوانم صوت را با چلوه و باشکوه و به اصطلاح کرال بسازم. به فکرم رسید که خودم یک بار سرود را بخوانم و ضبط کنم. بعد نوار را پخش کنم و دوباره، خودم همراه نوار بخوانم تا با صدای خودم دو نفر بشویم. همین کار را هم کردم. دوتا ضبط صوت تهیه کردم یکی برای پخش و دیگری برای ضبط صدا، با همان روشی که گفتم. خلاصه با روش من درآوردی، سرود را ضبط کردم. وقتی سرود را می‌شنوید، فکر می‌کنید یک گروه کامل آن را خوانده است. در حالی که همه گروه کر عبارت بود از خودم. این اولین تولید گروه سرود تک نفره من بود.

در ادامه پای حمید شاهنگیان به حسینیة ارشاد باز می‌شود و به همراه مرحوم حسین صبحدل، حسین شمسایی، عباس صالحی محمدرضا شریفی نیا و حمید یگانه شروع به

پیدا کنم که هم بتواند خوب اجرا کند و هم اینکه اعضایش امین و مطمئن باشند، (تا به ساواک گزارش ندهند). تازه باید دنبال جای مناسب برای تمرین و ضبط هم می‌گشتم.



خودم را ضبط کردم. این موضوع برمی‌گردد به مهر ۱۳۵۷. بهتر بود به جای تک خوان، توسط یک جمع خوانده شود. در آن شرایط نمی‌توانستم به این سادگی یک گروه کر



واقعه ۱۷ شهریور و ساختن اولین سرود انقلابی

حمید شاهنگیان، ماجرای ساخت اولین سرود انقلابی در ایران را این‌گونه روایت می‌کند. بعد از واقعه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ دیدم احوال مردم و شهدای این روز نباید فراموش شود. نه عکسی از حادثه گرفته بودم و نه فیلمی داشتم. تنها راه پیش رویم نوشتن بود. قبلاً هم قصه نوشته بودم و دست به قلم برده بودم. با خودم گفتم اگر بتوانم از زبان شعر استفاده کنم، می‌شود... و با چیدن کلمات در کنار هم شروع کردم که دیدم دارد قشنگ می‌شود. این طوری شروع کردم:

درود، درود، به روان پاک شهید راه خدا
درود درود به جوان کشته شده به میدان شهدا
درود درود به تمام شهیدان کربلا
مردم روز ۱۷ شهریور اسم میدان ژاله را به میدان شهدا تغییر داده بودند. من هم با همان حال و هوا تا انتها نوشتم. با ضرباهنگی مخصوص شروع کردم به خواندن و صدای